



فارسی هشتم درس اول پیش از اینها



چشم دل باز کن کہ جان بینی

آنچه نادیدنی است آن پینی

بصیرت و آگاهی داشته باش تا
حقیقت را دریابی و آنچه را با چشم
سر قابل دیدن نیست، آن را بینی.

چشم دل: اضافه استعاری

چشم دل باز کردن: کنایه از بصیرت و آگاهی داشتن /

چشم، دل، جان: تناسب

واج آرایہ: صامت «ن»

دستور زبان:

مصرع اول: چشم دل: مفعول / دل: مضاف

اليه / باز کن: فعل مرکب / که: حرف ربط
وابسته ساز / جان: مفعول / بینی: فعل

مصرع دوم: آنچه نادیدنی است: مفعول /
آن: مفعول / آنچه: نهاد / نادیدنی: مسند

دانش ادبی:

چشم دل: **اضافه استعاری** (هرگاه یک ترکیب اضافی غیر واقعی مضاف (اسم) جزئی از کل باشد. «چشم» جزئی از انسان (کل) است. چشم دل باز کردن **کنایه** است) عبارتی است که به در میگو دیوار (بشنوه)

چشم، دل، جان: **تناسب** (از مجموعه چند کلمه که نسبت به هم ارتباط معنایی داشته باشد).

واج آرایي: (تکرار یک واج در عبارت)

تاریخ ادبیات: ہاتف اصفہانی

سید احمد حسینی متخلص به هاتف

زادروز: نیمه نخست قرن دوازدهم

درگذشت: ۱۱۹۸ هجری قمری آرامگاه: قم

مکتب: بازگشت ادبی

فرزند: سحاب اصفهانی

آثار: دیوان اشعار

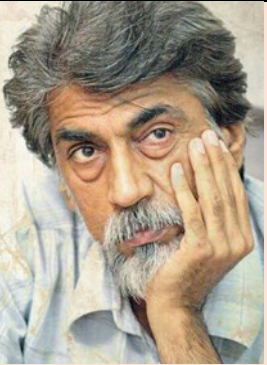


۱- پیش از اینها فکر می کردم خدا خانه ای دارد میان ابرها قبلاً فکر می کردم خدا خانه ای در وسط ابرها دارد. مفهوم بیت: تصوّر خیالی	میان: وسط خدا، ابرها: قافیه واج آرای: صامت «ر»
۲- مثل قصر پادشاه قصّه ها خشتی از الماس و خشتی از طلا مانند کاخ پادشاه در قصّه ها کاخی از الماس طلا دارد. مفهوم بیت: تصوّر خیالی	قصر: کاخ خشت: آجر مثل قصر پادشاه: تشبیه قصر، پادشاه - الماس، طلا: مراعات نظیر خشت، خشت: تکرار واج آرای: مصوّت «-» و صامت «ش»
۳- پایه های برجش از عاج و بلور بر سر تختی نشسته با غرور ستون قصرش از مینای دندان فیل و کریستال است (زیباست) و بر روی تختی با غرور نشسته است. مفهوم بیت: حاکم و فرمانروای متکبر	پایه: ستون / برج: کاخ، قصر، قلعه عاج: مینای دندان فیل و گراز بلور: آبگینه، شیشه، کریستال بر، سر: جناس ناهمسان اختلافی از عاج و بلور بودن: کنایه از گران و زیبا بودن بر سر تخت نشستن: کنایه از سلطنت کردن
۴- ماه، برق کوچکی از تاج او هر ستاره، پولکی از تاج او ماه آسمان مانند برقی درخشان از تاج اوست و هر ستاره مانند پولکی از تاج اوست. مفهوم بیت: خیال پردازی	تاج: کلاه جواهر نشان که پادشاهان بر سر گذارند / پولک: فلس، دایره کوچک فلزی ماه، برق کوچکی: تشبیه هر ستاره، پولکی: تشبیه ماه، ستاره، برق: مراعات نظیر از تاج او: تکرار
۵- رعد و برق شب طنین خنده اش سیل و طوفان نعره توفنده اش صدای رعد و برق شب شبانه را صدای خنده های خداوند تصوّر می کردم و سیل و طوفان را صدای عصبانیت و خشم او می دانستم. مفهوم بیت: تصوّر خیالی	طنین: صدا، آواز نعره: داد، فریاد توفنده: غرنده، ناآرام، عصبانی رعد و برق خنده می زند: تشخیص سیل و طوفان نعره می زند: تشخیص سیل، طوفان: مراعات نظیر
۶- هیچ کس از جای او آگاه نیست هیچ کس را در حضورش راه نیست	جای: جایگاه، مقام حضور: آستان، بارگاه هیچ کس، نیست: تکرار

هیچ کس از جای او باخبر نیست و کسی را اجازه حضور نمی دهد. مفهوم بیت: متکبر و سختگیرانه	را، راه: جناس ناقص افزایشی راه نداشتن: کنایه از اجازه نداشتن جا، را: جناس ناقص اختلافی
۷- آن خدا بی رحم بود و خشمگین خانه اش در آسمان، دور از زمین آن خدا، سنگدل و خشمگین بود و خانه اش دور از زمین، در آسمانها بود. مفهوم بیت: فاصله زیاد و قهار بودن	بی رحم: سنگدل بی رحم، خشمگین: تناسب آسمان، زمین: تضاد و تناسب خشمگین، زمین: قافیه
۸- بود، اما در میان ما نبود مهربان و ساده و زیبا نبود خدا بود اما در میان ما حضور نداشت و آن خدا مهربان و ساده و زیبا نبود. مفهوم بیت: تصوّر خیالی داشتن	بود: نبود: تضاد ما: زیبا: قافیه نبود، نبود: ردیف
۹- دردل او دوستی جایی نداشت مهربانی هیچ معنایی نداشت دوستی و رفاقت در دلش جایی نداشت. محبت و مهربانی هیچ معنایی نداشت. مفهوم بیت: نامهربان بودن	در دل جا نداشتن: کنایه از بی ارزش بودن دوستی، مهربانی: تناسب جایی، معنایی: قافیه نداشت، نداشت: ردیف
۱۰- هرچه می پرسیدم از خود از خدا از زمین از آسمان از ابرها هرچه قدر از خودم درباره خدا می پرسیدم و از زمین و آسمان و ابرها، مفهوم بیت: حس پرسشگری	از: تکرار زمین، آسمان، ابر: مراعات نظیر زمین، آسمان: تضاد بیت: موقوف المعانی دارد
۱۱- زود می گفتند: «این کار خداست پرس وجو از کار او کاری خطاست» سریع می گفتند این کارها کار خداست. تحقیق و پرس و جو از خدا کاری بیهوده است. مفهوم بیت: ناتوانی انسان از درک خداوند	خطا: اشتباه، بیهوده خدا، خطا: قافیه است، است: ردیف کار: تکرار واج آرایی: صامت «ک،ر»
۱۲- نیت من در نماز و دعا ترس بود و وحشت از خشم خدا قصد من از نماز خواندن و دعا کردن ترس و وحشت از خداوند بود.	نیت: قصد: عزم: آهنگ وحشت: ترس نیت، نماز، دعا-ترس، وحشت: مراعات نظیر مفهوم بیت: هراسیدن

۱۳- پیش از اینها خاطرم دلگیر بود از خدا در ذهنم این تصویر بود پیش از اینها فکر و ذهنم ناراحت بود و از خود در ذهنم این تصور داشتم. مفهوم بیت: ذهنیت نامناسب	خاطر: ضمیر، ذهن، قلب، یاد، اندیشه دلگیر: ناراحت، غمگین / تصویر: شکل، شمایل دلگیر بودن: کنایه از ناراحت بودن خاطر، ذهن: مراعات نظیر دلگیر، تصویر: قافیه / بود، بود: ردیف
۱۴- تا که یک شب، دست در دست پدر راه افتادم به قصد یک سفر تا اینکه یک شب دست در دست پدر گذاشتم و به قصد مسافرت راه افتادم. مفهوم بیت: گردش و پی بردن	قصد: نیت، هدف، عزم که، به: جناس ناقص اختلافی در، پدر: جناس ناقص افزایشی دست: تکرار پدر، سفر: قافیه
۱۵- در میان راه، در یک روستا خانه ای دیدم، خوب و آشنا در میانه راه در روستایی خانه ای (مسجد) خوب و آشنا دیدم. مفهوم بیت: حس آرامش	خانه: مجاز از مسجد روستا، خانه: مراعات نظیر روستا، آشنا: قافیه
۱۶- زود پرسیدم پدر این جا کجاست؟ گفت: اینجا خانه خوب خداست خیلی سریع از پدرم پرسیدم اینجا کجاست؟ جواب داد اینجا خانه خوب خدا است. مفهوم بیت: مکان مقدس	خانه: مجاز از مسجد اینجا: تکرار کجا، خدا: قافیه است، است: ردیف و تکرار
۱۷- گفت: «اینجا می شود یک لحظه ماند گوشه ای خلوت نمازی ساده خواند گفت اینجا می توان یک لحظه توقف کرد و در گوشه ای خلوت نمازی خواند. مفهوم بیت: پرستش و آرامش	نمازی ساده: کنایه از بی غل و غش و بی ریا ماند، خواند: قافیه
۱۸- با وضویی دست و رویی تازه کرد با دل خود گفت وگویی تازه کرد با وضو گرفتن دست و رو را تازه و شاداب کنیم و با خلوت خود گفتگویی جدید آغاز کنیم. مفهوم بیت: راز و نیاز کردن	دست، رو، دل: مراعات نظیر تازه (شاداب)، تازه (آغاز): جناس تام با دل خود: کنایه از راز و نیاز کردن دست و رویی، گفت وگویی: قافیه اول تازه، تازه: قافیه دوم / کرد: ردیف ذوقافتین: اشعاری هستند که دو قافیه پهلوی یکدیگر، یا با فاصله اندک باشند.

۱۹- گفتمش: پس آن خدای خشمگین خانه اش اینجا است؟ اینجا در زمین؟ به پدر گفتم: آن خدای خشمگین خانه اش اینجا در زمین است؟	خدای خشمگین: تشخیص خانه: مجاز از مسجد / اینجا: تکرار خشمگین، زمین: قافیه مفهوم بیت: درک ضعیف
۲۰- گفت: «آری خانه او بی ریاست فرش هایش از گلیم و بور ریاست پدر گفت بله! خانه خداساده است و فرش هایش از گلیم و حصیر است.	بی ریا: ساده، بی آرایش گلیم: نوعی فرش که از پشم می بافند بوریا: حصیر که از نی می سازند گلیم، بوریا، فرش: مراعات نظیر بی ریا، بوریا: جناس ناهمسان اختلافی بی ریا، بوریا: قافیه / است، است: ردیف
۲۱- مهربان و ساده و بی کینه است مثل نوری در دل آینه است خداوند مهربان و ساده و دور از بغض و دشمنی است و مانند نوری است که در دل می درخشد.	کینه: دشمنی، عداوت، بغض مهربان، ساده، بی کینه: مراعات نظیر مثل نور: تشبیه دل آینه: اضافه استعاری بی کینه، آینه: قافیه
۲۲- عادت او نیست خشم و دشمنی نام او نور و نشانش روشنی» رسم خداوند خشم و غضب نیست نام او مانند نوری درخشان و راهش روشن است.	عادت: رسم خشم، دشمنی - نور، نشان، روشنی: تناسب نام او نور: تشبیه / واج آرای: صامت «ش» مصرع دوم تلمیح: اشاره به آیه قرآنی «الله نور السموات و الارض»
۲۳- تازه فهمیدم: خدایم این خداست این خدای مهربان و آشناست تازه متوج شدم که خدای من این خدا است خای مهربان و آشنا.	خدا، این: تکرار خدا، آشنا: قافیه مفهوم بیت: شناخت خداوند
۲۴- دوستی از من به من نزدیکتر از رگ گردن به من نزدیکتر خداوند مانند دوستی است که از خود من به من نزدیکتر و از رگ گردن هم به من نزدیکتر است.	من، نزدیکتر، به: تکرار تلمیح: به آیه قرآنی «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» مفهوم بیت: همه چیز در اختیار خداوند
۲۵- می توانم بعد از این، با این خدا دوست باشم، دوست، پاک و بی ریا می توانم بعد از این با خدا دوستی پاک و مخلص باشم.	بی ریا: ساده، خالص، پاک این، دوست: تکرار خدا، بی ریا: قافیه مفهوم بیت: اخلاص

 حرف های ما هنوز ناتمام... تا نگاه می کنی: وقت رفتن است باز هم همان حکایت همیشگی پیش از آنکه با خبر شوی لحظه عزیمت تو ناگزیر می شود...	تاریخ ادبیات: قیصر امین پور تاریخ تولد: ۲/۲/۱۳۳۸ مدرک تحصیلی: دکترای ادبیات فارسی در دوم اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ در شهرستان گتوند خوزستان متولد شدو در آبان ماه ۱۳۸۶ درگذشت. آثار: تنفس صبح، مثل چشمه، مثل رود، آینه های ناگهان، به قول پرستو، در کوچه آفتاب، ظهر روز دهم، بی بال پریدن، طوفان در پرانتز، گل ها همه آفتابگردانند، مروارید
--	--

دانش ادبی (آرایه های ادبی) و دانش زبانی (دستور زبان):

۱- پیش از اینها فکر می کردم خدا خانه ای دارد میان ابرها

دانش ادبی:

واج آرایی: صامت «ر» (هرگاه یک صامت یا مصوّت در یک کلمه یا عبارت تکرار و موجب افزایش موسیقایی کلام شود، واج آرایی گویند).

دانش زبانی:

بیت دو جمله دارد. (۱- پیش از اینها فکر می کردم ۲- خدا خانه ای در میان ابرها دارد)

مصرع اول: پیش: قید / اینها: متمم / فکر می کردم: فعل مرکب / خدا: نهاد مصرع دوم است

مصرع دوم: خانه ای: مفعول / میان ابرها: قید

۲- مثل قصر پادشاه قصّه ها خشتی از الماس و خشتی از طلا

دانش ادبی:

- **قصر، پادشاه - الماس، طلا:** مراعات نظیر (دو یا چند کلمه که در مجموع هم قرار می گیرند و ارتباط معنایی نزدیکی به هم دارند آرایه تناسب یا مراعات نظیر گویند).

- **خشت، خشت:** تکرار (دو یا چند کلمه که عیناً تکرار شود و از لحاظ معنی هم باید یکی باشد تکرار گویند).

- **واج آرایی:** مصوّت «-» و صامت «ش» (تکرار صامت و مصوّت در یک عبارت واج آرایی گویند).
دانش زبانی:

بیت یک جمله دارد. (خدا مثل قصر پادشاه قصّه ها خشتی از الماس و طلا دارد).

مصرع اول: مثل: حرف اضافه / قصر پادشاه قصّه ها: متمم / پادشاه: مضاف الیه / قصّه ها: مضاف الیه

مصرع دوم: خشتی: مفعول / الماس: متمم (به دلیل داشتن حرف اضافه «از» / «و»: واو عطف / خشتی: معطوف به مفعول / طلا: معطوف به متمم

۳- پایه های برجش از عاج و بلور بر سر تختی نشسته با غرور

دانش ادبی:

بر، سر: جناس ناهمسان اختلافی (دو یا چند کلمه هم وزن ولی فقط در یک حرف اختلاف دارد).
از عاج و بلور بودن: کنایه از گران و زیبا بودن (سخنی است اما مفهومی دیگر دارد).
بر سر تخت نشستن: کنایه از سلطنت و فرمانروایی کردن (سر تخت، همه می نشینند اما در اینجا منظور نشستن روی تخت نیست بلکه پادشاهی کردن است به این میگویند کنایه)

دانش زبانی:

بیت دو جمله دارد. (۱- پایه های برجش از عاج و بلور است ۲- که بر سر تختی با غرور نشسته است).

مصرع اول: پایه های برجش: نهاد / برج: مضاف الیه / «ش»: مضاف الیه (برج او) / عاج و بلور: متمم / «و»: واو عطف / بلور: معطوف به متمم
مصرع دوم: سر تختی: متمم / تختی: مضاف الیه / نشسته: فعل با حذف فعل کمکی «است» / با: حرف اضافه / غرور: متمم

۴- ماه، برق کوچکی از تاج او هرستاره، پولکی از تاج او

دانش ادبی:

ماه، برق کوچکی: تشبیه (ماه مانند برق کوچکی است. ماه: مشبّه / برق کوچکی: مشبّه به)
هر ستاره، پولکی: تشبیه (ستاره مانند پولکی است. ستاره: مشبّه / پولکی: مشبّه به)
ماه، ستاره، برق: مراعات نظیر یا تناسب (چند کلمه که نسبت به هم از یک مجموعه هستند).
از تاج او: تکرار (کلمه یا کلماتی که چندبار تکرار شود واژه آرایبی هم گویند).

دانش زبانی:

بیت دو جمله دارد. (۱- ماه برق کوچکی از تاج او است ۲- هر ستاره پولکی از تاج او است).
مصرع اول: ماه: نهاد / برق کوچکی: مسند / کوچکی: صفت / از: حرف اضافه / تاج او: متمم / او: مضاف الیه

مصرع دوم: هر ستاره: نهاد / هر: صفت مبهم (اگر صفت مبهم قبل از اسمی بیاید ترکیب وصفی می شود. هر ستاره: ترکیب وصفی است) / پولکی: مسند / از: حرف اضافه / تاج او: متمم (بعد از حرف اضافه هر کلمه ای بیاید متمم)

۵- رعد و برق شب طنین خنده اش سیل و طوفان نعره توفنده اش

دانش ادبی:

رعد و برق خنده می زند: تشخیص (خندیدن از ویژگی های انسان است که به رعد و برق نسبت داده است).

سیل و طوفان نعره می زند: تشخیص (فریاد زدن سیل و طوفان تشخیص است. چون فریاد زدن از ویژگی های انسان است).

سیل، طوفان: مراعات نظیر (دو کلمه که در مجموع نسبت به هم ارتباط معنایی دارد).

دانش زبانی:

بیت دو جمله دارد. (۱- رعد و برق شب طنین خنده اش «است» ۲- سیل و طوفان نعره توفنده اش «است»)

مصرع اول: رعد و برق شب: نهاد / شب: مضاف الیه به برق اضافه شده / طنین خنده اش: مسند / خنده: صفت طنین است / «ش»: مضاف الیه به خنده اضافه شده خنده «او»
مصرع دوم: سیل و طوفان: نهاد / نعره توفنده اش: مسند / توفنده: صفت نعره است / «ش»: مضاف الیه

هیچ کس را در حضورش راه نیست

۶- هیچ کس از جای او آگاه نیست
دانش ادبی:

هیچ کس، نیست: تکرار (در این بیت «هیچ کس» دوبار تکرار شده و معنی آن هم یکی است).
راه: جناس ناقص افزایشی (دو کلمه تقریباً متشابه ولی یکی فقط یک حرف اضافه دارد).
جا، را: جناس ناقص اختلافی (دو کلمه هم وزن فقط در یک حرف متفاوت هستند).
راه نداشتن: کنایه از اجازه نداشتن (معنا و مفهومی غیر از خودش می خواهد کنایه گویند).
دانش زبانی:

بیت دو جمله دارد. (۱- هیچ کس از جای او آگاه نیست ۲- هیچ کس را در حضورش راه نیست).
مصرع اول: هیچ کس: نهاد / از: حرف اضافه / جای او: متمم / او: مضاف الیه / آگاه: مسند / نیست: فعل اسنادی

مصرع دوم: هیچ کس: مفعول / در: حرف اضافه / حضورش: متمم / «ش»: مضاف الیه / راه نیست: فعل به نظر باید راه ندادن گرفت چون غیر از این در نقش پذیری کلمات دچار نظریات متفاوت می گردد. در واقع باید اینگونه گفت: «هیچ کس را در حضورش راه نمی دهد».

خانه اش در آسمان، دور از زمین

۷- آن خدا بی رحم بود و خشمگین
دانش ادبی:

بی رحم، خشمگین: تناسب (این دو کلمه نسبت به هم ارتباط معنایی دارد و مراعات نظیر است).
آسمان، زمین: تضاد و تناسب (گاهی اوقات دو کلمه نسبت به هم علاوه بر ارتباط معنایی و زیر مجموعه هم بودن مخالف هم هستند که تناسب و تضاد ایجاد می کند).
دانش زبانی:

بیت چهار جمله دارد. (۱- آن خدا بی رحم بود ۲- و خشمگین «بود» ۳- خانه اش در آسمان «و» دور از زمین «بود»).

مصرع اول: آن خدا: نهاد و ترکیب وصفی (زیرا آن: صفت اشاره و چون قبل از اسم (هسته) آمده، ترکیب وصفی است) / بی رحم: مسند / بود: فعل اسنادی / «و»: حرف ربط هم پایه ساز / خشمگین: مسند

مصرع دوم: خانه اش: نهاد / «ش»: مضاف الیه خانه «او» / در آسمان: مسند متممی (گاهی اوقات متمم در نقش مسند قرار می گیرد). / «و»: ویرگول در اینجا «واو عطف» است / دور: معطوف به مسند / از: حرف اضافه / زمین: متمم / «بود»: فعل حذف شده به قرینه لفظی

مهربان و ساده و زیبا نبود

۸- بود، اما در میان ما نبود

دانش ادبی:

بود: نبود: تضاد (دو کلمه که مخالف هم آیند تضاد یا طباق گویند).

دانش زبانی:

بیت سه جمله دارد. (۱- بود ۲- اما در میان ما نبود ۳- مهربان و ساده و زیبا نبود).

مصرع اول: بود: فعل غیر اسنادی به معنی وجود داشت و نهادش محذوف «او همان خدا» / **اما:** حرف ربط هم پایه ساز / **در:** حرف اضافه / **میان ما:** متمم / **ما:** مضاف الیه / **نبود:** فعل غیر اسنادی به معنی وجود نداشت.

مصرع دوم: مهربان و ساده و زیبا: مسند / **نبود:** فعل منفی اسنادی

مهربانی هیچ معنایی نداشت

۹- در دل او دوستی جایی نداشت

دانش ادبی:

در دل جا نداشتن: کنایه از بی ارزش بودن (سخنی گفته می شود اما معنا و مفهوم دور می طلبد).
دوستی، مهربانی: تناسب (دو یا چند کلمه در زیر مجموعه هم آیند و نوعی ارتباط معنایی ایجاد نمایند. مراعات نظیر یا تناسب گویند).

دانش زبانی:

بیت دو جمله دارد. (۱- دوستی در دل او جایی نداشت ۲- مهربانی هیچ معنایی نداشت).

مصرع اول: در: حرف اضافه / **دل او:** متمم / **او:** مضاف الیه / **دوستی:** نهاد / **جایی:** مفعول / **نداشت:** فعل

مصرع دوم: مهربانی: نهاد / **هیچ معنایی:** مفعول / **نداشت:** فعل

از زمین از آسمان از ابرها

۱۰- هرچه می پرسیدم از خود از خدا

دانش ادبی:

از: تکرار (در این بیت واژه «از» چهار بار تکرار شده و آرایه تکرار یا واژه آرایی را بوجود آورده)
زمین، آسمان، ابر: مراعات نظیر (از مجموعه چند کلمه نسبت به هم ارتباط معنایی ایجاد کرده)
زمین، آسمان: تضاد (اختلاف دو چیز به هم که نسبت به هم مخالف هستند تضاد گویند).

دانش زبانی:

بیت یک جمله دارد. (هرچه از خود از خدا از زمین از آسمان از ابرها می پرسیدم).

مصرع اول: هرچه: نهاد / می پرسیدم: فعل / **از:** حرف اضافه / **خود:** متمم / **خدا:** متمم**مصرع دوم: زمین:** متمم / **آسمان:** متمم / **ابرها:** متمم

پرس وجو از کار او کاری خطاست»

۱۱- زود می گفتند: «این کار خداست

دانش ادبی:

کار: تکرار (سه بار در این بیت تکرار شده است).**واج آرایی:** صامت «ک،ر» (تکرار صامت «ک،ر» باعث موسیقایی کلام شده است).

دانش زبانی:

بیت سه جمله دارد. (۱- زود می گفتند ۲- این کار خدا است ۳- پرس و جواز کار او کاری خطا است.)
مصرع اول: زود: قید / می گفتند: فعل / این کار خداست پرس و جواز کار او کاری خطاست: مفعول
این: نهاد / کار خدا: مسند / است: فعل اسنادی
مصرع دوم: پرس و جو: نهاد / از: حرف اضافه / کار او: متمم / او: مضاف الیه به کار اضافه شده /
کاری: مسند / است: فعل اسنادی

۱۲- نیت من در نماز و دعا ترس بود و وحشت از خشم خدا
دانش ادبی:

نیت، نماز، دعا- ترس، وحشت: مراعات نظیر (دو یا چند کلمه که با هم ارتباط معنایی دارند و در زیر مجموعه هم قرار می گیرند).
دانش زبانی:

بیت دو جمله دارد. (۱- نیت من در نماز و دعا ترس بود ۲- و وحشت از خشم خدا «بود».)
مصرع اول: نیت من: نهاد / من: مضاف الیه / در: حرف اضافه / نماز و دعا: متمم / «و»: واو عطف /
دعا: معطوف به متمم
مصرع دوم: ترس: مسند / «و»: حرف ربط هم پایه ساز / وحشت: مسند / از: حرف اضافه /
خشم خدا: متمم / خدا: مضاف الیه چون به خشم اضافه شده است.

۱۳- پیش از اینها خاظم دلگیر بود از خدا در ذهنم این تصویر بود
دانش ادبی

دلگیر بودن: کنایه از ناراحت بودن (کنایه سخنی است پوشیده ولی در معنای دیگر)
خاطر، ذهن: مراعات نظیر (به کار بردن چند کلمه در زیر مجموعه هم که ارتباط معنایی دارد).
دانش زبانی

بیت دو جمله دارد. (۱- پیش از اینها خاظم دلگیر بود ۲- از خدا در ذهنم این تصویر بود.)
مصرع اول: پیش: قید / از: حرف اضافه / اینها: متمم / خاظم: نهاد / «م»: مضاف الیه، خاطر من /
دلگیر: مسند / بود: فعل اسنادی
مصرع دوم: از: حرف اضافه / خدا: متمم / در: حرف اضافه / ذهنم: متمم / «م»: مضاف الیه، ذهن من
این تصویر: نهاد و ترکیب وصفی / بود: فعل غیر اسنادی به معنی وجود داشت.

۱۴- تا که یک شب، دست در دست پدر راه افتادم به قصد یک سفر
دانش ادبی

که، به: جناس ناقص اختلافی (دو کلمه هم وزن که فقط در یک حرف اختلاف دارند).
در، پدر: جناس ناقص افزایشی (دو کلمه هم جنس که یکی از آن کلمه فقط یک حرف اضافه دارد).
دست: تکرار «دست» در این بیت دوبار تکرار شده و معنی آن هم یکی است.

دانش زبانی

بیت یک جمله دارد. (تا که یک شب، دست در دست پدر به قصد یک سفر راه افتادم.)

مصرع اول: تا که: حرف ربط وابسته ساز / یک شب: قید و ترکیب وصفی (یک: صفت شمارشی قبل از هسته آمده و ترکیب وصفی ایجاد کرده) / دست در دست پدر: قید / پدر: مضاف الیه

مصرع دوم: راه افتادم: فعل مرکب / به: حرف اضافه / قصد یک سفر: متمم / یک سفر: مضاف الیه

برای قصد / یک سفر: ترکیب وصفی

۱۵- در میان راه، در یک روستا خانه ای دیدم، خوب و آشنا

دانش ادبی

خانه: مجاز از مسجد (اسم خیالی یا غیر واقعی است که در معنی اصلی به کار نمی رود). مسجد مانند خانه است؛ چون نمی توانیم تشبیه بسازیم پس «خانه» مجاز از «مسجد» است.

روستا، خانه: مراعات نظیر (آوردن چند کلمه که نسبت به هم ارتباط معنایی دارند).

دانش زبانی

بیت یک جمله دارد. (در میان راه، در یک روستا خانه ای خوب و آشنا دیدم).

مصرع اول: در: حرف اضافه / میان راه: متمم / راه: مضاف الیه / در: حرف اضافه / یک روستا: متمم و ترکیب وصفی (یک: صفت شمارشی و وابسته پیشین / روستا: اسم و هسته

مصرع دوم: خانه ای: مفعول / خوب و آشنا: قید / «و»: واو عطف / آشنا: معطوف به قید

۱۶- زود پرسیدم پدر این جا کجاست؟ گفت: این جا خانه خوب خداست

دانش ادبی

خانه: مجاز از مسجد (بین مسجد که معنی اصلی «خانه» است با خود «خانه» که کلمه غیر واقعی است رابطه شباهت ایجاد می کنیم. اگر تشبیه ایجاد شد استعاره است و اگر تشبیه ساخته نشد آن کلمه غیر واقعی «مجاز» است. مثال: مسجد مانند خانه است. تشبیه ساخته نمی شود).

اینجا: تکرار (واژه ای که دو یا چند بار در عبارتی تکرار شود).

دانش زبانی

بیت پنج جمله دارد. (۱- زود پرسیدم ۲- پدر ۳- اینجا کجاست ۴- گفت ۵- اینجا خانه خوب خداست)

مصرع اول: زود: قید / پرسیدم: فعل / پدر: شبه جمله با حذف حرف ندا «ای» / اینجا: نهاد / کجا: مسند / است: فعل اسنادی

مصرع دوم: گفت: فعل / اینجا خانه خوب خداست: مفعول / اینجا: نهاد / خانه خوب خدا: مسند / خوب: صفت برای خانه / خدا: مضاف الیه برای خدا / است: فعل اسنادی

۱۷- گفت: «اینجا می شود یک لحظه ماند گوشه ای خلوت نمازی ساده خواند»

دانش ادبی

نمازی ساده: کنایه از بی غل و غش و بی ریا بودن، خالص بودن (منظور از ساده بودن نماز خالص بودن در محضر خداست).

دانش زبانی

بیت چهار جمله دارد. (۱- گفت ۲- اینجا می شود ۳- یک لحظه مانند ۴- گوشه ای خلوت نمازی ساده خواند).

مصرع اول: گفت: فعل / اینجا می شود یک لحظه مانند گوشه ای خلوت نمازی ساده خواند: مفعول معمولاً بعد از فعل گفت بقیه اجزای جمله مفعول است. / اینجا: نهاد / می شود: فعل اسنادی / یک لحظه: قید / مانند: فعل

مصرع دوم: گوشه ای خلوت: قید / نمازی ساده: مفعول / ساده: صفت / خواند: فعل

۱۸- با وضویی دست و رویی تازه کرد با دل خود گفت و گویی تازه کرد»

دانش ادبی

دست، رو، دل: مراعات نظیر (چند کلمه در مجموعه هم تناسب معنایی ایجاد می کنند).
تازه (شاداب)، **تازه** (آغاز): جناس تام (دو کلمه عیناً مثل هم تکرار شود ولی معنا متفاوت باشد).
با دل خود گفتن: کنایه از راز و نیاز کردن (مفهومی غیر از خودش استباط شود).

دانش زبانی

بیت دو جمله دارد. (۱- با وضویی دست و رویی تازه کرد ۲- با دل خود گفت و گویی تازه کرد).
مصرع اول: با: حرف اضافه / وضویی: متمم / دست و رویی: مفعول / تازه کرد: فعل مرکب
مصرع دوم: با: حرف اضافه / دل خود: متمم / خود: مضاف الیه / گفت و گویی: مفعول / تازه کرد: فعل مرکب

۱۹- گفتمش: پس آن خدای خشمگین خانه اش اینجا است؟ اینجا در زمین؟

دانش ادبی

خدای خشمگین: تشخیص (خشمگین شدن از ویژگی های انسانی که در اینجا به غیر از انسان به خدا نسبت داده است).
خانه: مجاز از مسجد (کلمه ای خیالی که در معنی اصلی به کار نرفته است و رابطه شباهت ندارد).
اینجا: تکرار (تکرار چند کلمه در یک عبارت)

دانش زبانی

بیت سه جمله دارد. (۱- به او گفتم ۲- پس آن خدای خشمگین خانه اش اینجا است؟ ۳- اینجا در زمین «است»؟).

مصرع اول: گفتم: فعل / «ش»: متمم (به او گفتم) / پس آن خدای خشمگین خانه اش اینجا است؟ اینجا در زمین؟: مفعول / پس: قید / آن خدای خشمگین: نهاد / آن خدا: ترکیب وصفی / خشمگین: صفت

مصرع دوم: خانه اش: نهاد / «ش»: مضاف الیه، خانه او / اینجا: مسند / است: اسنادی (اگر فعل غیر اسنادی بگیریم به معنی قرار داشتن یا وجود داشتن در نقش کلمات دچار نظریات متفاوتی می شویم).

۲۰- گفت: «آری خانه او بی ریاست فرش هایش از گلیم و بوریاست

دانش ادبی

گلیم، بوریا، فرش: مراعات نظیر (مثل: شمع، گل، پروانه است که از یک مجموعه تشکیل شده)
بی ریا، بوریا: جناس ناهمسان اختلافی (دو کلمه هم. زنولی اختلاف فقط در یک حرف باشد).

دانش زبانی

بیت چهار جمله دارد. (۱- گفت ۲- آری ۳- خانه او بی ریا است ۴- فرش هایش از گلیم و بوریا است).
مصرع اول: گفت: فعل / آری خانه او بی ریاست فرش هایش از گلیم و بوریا است: مفعول / آری:
 شبه جمله / خانه او: نهاد / او: مضاف الیه / بی ریا: مسند / است: فعل اسنادی
مصرع دوم: فرش هایش: نهاد / «ش»: مضاف الیه / از گلیم و بوریا: مسند متممی / «و»: واو عطف /
 بوریا: معطوف به متمم / است: فعل اسنادی

۲۱- مهربان و ساده و بی کینه است مثل نوری در دل آینه است

دانش ادبی

مهربان، ساده، بی کینه: مراعات نظیر (کلماتی که نسبت به هم در یک زیر مجموعه قرار می گیرند)
مثل نور: تشبیه (خدا: مشبه است که محذوف است / مثل: ادات تشبیه / نور: مشبه به
دل آینه: اضافه استعاری (ترکیبی غیر واقعی است، آینه مانند انسانی است که دل دارد).

دانش زبانی

بیت دو جمله دارد. (۱- مهربان و ساده و بی کینه است ۲- مثل نوری در دل آینه است).
مصرع اول: مهربان و ساده و بی کینه: مسند / نهاد: محذوف «او منظور خدا» / است: فعل اسنادی
مصرع دوم: مثل: حرف اضافه (ادات تشبیه حروف اضافه هستند و کلمه بعد از خودش را متمم می سازد) / نوری: متمم / در: حرف اضافه / دل آینه: متمم / آینه: مضاف الیه / است: فعل غیر اسنادی به معنی وجود دارد

۲۲- عادت او نیست خشم و دشمنی نام او نور و نشان روشنی»

دانش ادبی

خشم، دشمنی - نور، نشان، روشنی: تناسب (کلماتی که با هم ارتباط معنایی دارند).
نام او نور: تشبیه بلیغ (نام او: مشبه / نور: مشبه به) ادات تشبیه و وجه شبه حذف باشد تشبیه بلیغ گویند).

واج آرایی: صامت «ش» (تکرار یک یا چند واج در عبارتی واج آرایی است).

مصرع دوم تلمیح: «الله نور السموات و الارض» (اشاره به آیه قرآنی دارد. تلمیح گویند).

دانش زبانی

بیت سه جمله دارد. (۱- عادت او خشم و دشمنی نیست ۲- نام او نور است ۳- نشانش روشنی است)
مصرع اول: خشم و دشمنی: نهاد / «و»: واو عطف / دشمنی: معطوف به نهاد / عادت او: مسند / او:
 مضاف الیه / نیست: فعل اسنادی
مصرع دوم: نام او: نهاد / او: مضاف الیه / نور: مسند / «است»: فعل محذوف / نشانش: نهاد / «ش»:
 مضاف الیه، نشان او / روشنی: مسند / «است»: فعل محذوف

۲۳- تازه فهمیدم: خدایم این خداست این خدای مهربان و آشناست

دانش ادبی

خدا، این: تکرار (واژه «خدا» در این بیت سه بار تکرار شده و آرایه واژه آرایی یا تکرار گویند).

دانش زبانی

بیت سه جمله دارد. (۱- تازه فهمیدم ۲- خدای من این خدا است ۳- این خدای مهربان و آشنا است).

مصرع اول: تازه: قید / فهمیدم: فعل / خدایم: نهاد / «م»: مضاف الیه، خدای من / این خدا: مسند و ترکیب وصفی / است: فعل اسنادی

مصرع دوم: این خدای مهربان و آشنا: مسند / این خدای: ترکیب وصفی / خدای مهربان: ترکیب وصفی / «و»: واو عطف / آشنا: معطوف به صفت / مصرع دوم: سه صفت دارد / است: فعل اسنادی
نهاد: خدایم در مصرع اول

۲۴- دوستی از من به من نزدیکتر از رگ گردن به من نزدیکتر

دانش ادبی

من، نزدیکتر، به: تکرار (کلماتی که در یک عبارت چندین بار تکرار شود).

تلمیح: «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (اشاره به آیه قرآنی دارد **تلمیح** گویند).

دانش زبانی

بیت دو جمله دارد. (۱- دوستی از من به من نزدیکتر است ۲- از رگ گردن به من نزدیکتر است).

مصرع اول: دوستی: نهاد / از من به من نزدیکتر: مسند متممی / است: فعل محذوف

مصرع دوم: از رگ گردن به من نزدیکتر: مسند متممی / است: فعل محذوف

۲۵- می توانم بعد از این، با این خدا دوست باشم، دوست، پاک و بی ریا

دانش ادبی

این، دوست: تکرار (آوردن یک کلمه به تکرار در یک عبارت)

دانش زبانی

بیت چهار جمله دارد. (۱- می توانم ۲- بعد از این، با این خدا دوست باشم ۳- دوست «باشم» ۴- پاک و بی ریا «باشم»).

پاک و بی ریا «باشم».

مصرع اول: می توانم: فعل و نهادش محذوف «من» / بعد از این: قید / با: حرف اضافه / این خدا: متمم / این خدا: ترکیب وصفی

مصرع دوم: دوست: مسند / باشم: فعل اسنادی / دوست: تکرار مسند / باشم: فعل محذوف / پاک و بی ریا: مسند / «و»: واو عطف / بی ریا: معطوف به پاک و مسند / باشم: فعل محذوف

خودارزیابی:

۱. شاعر در مصراع « اینجا خانه خوب خداست » به چه نکته ای اشاره دارد؟

منظور مسجد است

۲. درک و دریافت خود را از مصراع « نام او نور و نشانش روشنی » بیان کنید.

یک از نام های خداوند تبارک و تعالی "نور" است همان طور که در قرآن فرموده: **الله نور السموات و الارض.**

خدا نور است یعنی روشن است و روشنی بخش .

یکی دیگر از معانی نور "هدایت" است خدا نور است یعنی هادی است .او هر چیز را به نور خود هدایت و راهنمایی می کند.

۳. چه راه هایی برای شناخت خداوند هستی وجود دارد؟

بهترین راه شناخت ،شناخت از راه موجودات است.زیبایی،پیچیدگی ،مهربانی ،خشم و.....موجودات نشانه زیبایی خشم و مهربانی خداست و در اصل نمود و نمایشگری از وجود خداست.

۴- (یک سوال طرح نمایید.)

دانش ادبی:

در سال پیش با مفهوم زبان و ادبیات و تفاوت آن دو آشنا شدیم. می دانیم که ساختمان زبان از عناصری تشکیل می شود. واژه ها و جمله های زبان، مانند ظرف هایی هستند که فکر ما را در خود جای می دهند. ما باید هنگام خواندن هر اثر و شنیدن گفتار هر شخص، با درنگ و تأمل، نحوه گزینش واژه ها و زمینه فکری آن را جست و جو کنیم؛ پس برای درک بهتر هر اثر باید به «**ساختار**» و «**محتوا**»ی آن توجه کرد.

برای بررسی ساختار (شکل بیرونی) هر اثر، می توانیم از این پرسش ها بهره بگیریم.

■ متن اثر، به «نثر» است یا به «نظم»؟

■ شیوه بیان نوشته، «زبانی» است یا «ادبی»؟

■ واژه های متن، ساده و قابل فهم هستند یا دشوار و دیرپاب؟

اکنون با توجه به این پرسش ها، شعر «ستایش» و «درس اول» را از نظر ساختار با هم مقایسه کنید.

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

بیت بالا نثر است یا نظم؟ **نظم**

شیوه بیان نوشته، «زبانی» است یا «ادبی»؟ **ادبی**

واژه های متن، ساده و قابل فهم هستند یا دشوار و دیریاب؟ **ساده و قابل فهم**

ماه، برق کوچکی از تاج او هرستاره، پولکی از تاج او

بیت بالا نثر است یا نظم؟ **نظم**

شیوه بیان نوشته، «زبانی» است یا «ادبی»؟ **ادبی**

واژه های متن، ساده و قابل فهم هستند یا دشوار و دیریاب؟ **ساده و قابل فهم**



۱ درباره زمینه فکری شعر «ستایش» در گروه ها گفت و گو کنید.

۲ درباره ارتباط مفهوم آیه زیر با متن درس پس از تأمل و تفکر، گفت و گو کنید.

«ما از رگ گردن به شما نزدیک تریم.» (سوره «ق»، آیه ۱۶)

۱- زمینه فکری شعر سعدی ستایش خداست و در آن صفات و عظمت خدا و همچنین معجزه بعضی از پیامبران ذکر شده است. این ابیات برگرفته از آیات قرآن است و زمینه فکری آن، همان فکر قرآنی است.

۲- خدا از همه چیز و همه کس به ما نزدیک تر است. در همه جا حضور دارد و همیشه با ماست.



۱- از متن «ستایش» «درس اول» واژه هایی بیابید که در آنها یکی از حروف «ذ، ز، ض، ظ» به کار رفته باشد.

زبان - - پوزش پذیر - جز / حضور - ذهن - لحظه - وضو
۲. جدول زیر را کامل کنید.

فعل	بن مضارع	مصدر	زمان
رفت	رو	رفتن	گذشته
دارد	دار	داشتن	مضارع (حال)

۳. ردیف و قافیه را در بیت هشتم و هجدهم شعر «پیش از این ها» مشخص کنید.

بیت ۸: ردیف: نبود، نبود / قافیه: ما، زیبا

بیت ۱۸: ردیف: کرد، کرد / قافیه: رو، گو

۴. سعدی در بیت زیر، به کدام داستان های مذهبی اشاره دارد؟

«گلستان کند آتشی بر خلیل گروهی بر آتش برد ز آب نیل»

داستان حضرت ابراهیم (ع) داستان حضرت موسی (ع)



در زبان فارسی، بعضی حروف، مانند «ذ، ز، ض، ظ» تلفظ (آواهای) یکسان دارند اما شکل نوشتاری آنها متفاوت است؛ با دقت در معنا، به املاي این گونه واژه ها توجه کنید.

مثال: زاهر: درخشنده - ظاهر: نمایان / زلت: خطا، لغزش - ذلت: خوار، پست

حکایت | به خدا چه بگویم؟

روزی غلامی کوسفندان اربابش را به صحرا برد. کوسفندان در دشت سرگرم چرا بودند که مسافری از راه رسید و با دیدن انبوه کوسفندان، به سراغ آن غلام (چوپان) رفت و گفت: «از این همه کوسفندان، یکی را به من بده.»
چوپان گفت: «نه، نمی توانم این کار را بکنم؛ هرگز!»
مسافر گفت: «یکی را به من بفروش.»
چوپان گفت: «کوسفندان از آن من نیست.»
مرد گفت: «خداوندش را بگوی که کرک ببرد.»
غلام گفت: «به خدای چه بگویم؟!»



رساله قشیرنه

دانش های ادبی (آرایه های ادبی) و زبانی (دستور زبان): حکایت به خدا چه بگویم

– روزی غلامی گوسفندان اربابش را به صحرا برد. (یک جمله)

دانش ادبی

غلام، گوسفند، ارباب: مراعات نظیر

دانش زبانی

روزی: قید / غلامی: نهاد / گوسفندان اربابش: مفعول / را: نشانه مفعول / ارباب: مضاف الیه برای گوسفندان / «ش»: مضاف الیه برای ارباب

– گوسفندان در دشت سرگرم چرا بودند که مسافری از راه رسید (دو جمله)

دانش ادبی:

سرگرم بودن: کنایه از مشغول بودن

دانش زبانی

گوسفندان: نهاد / در: حرف اضافه / دشت: متمم / سرگرم چرا: مسند / چرا: مضاف الیه / بودند: فعل
که: حرف ربط وابسته ساز / مسافری: نهاد / از: حرف اضافه / راه: متمم / رسید: فعل

– و با دیدن انبوه گوسفندان، به سراغ آن غلام (چوپان) رفت (یک جمله)

دانش زبانی

«و»: حرف ربط همپایه ساز / با: حرف اضافه / دیدن انبوه گوسفندان: متمم / انبوه: صفت /
گوسفندان: مضاف الیه / به: حرف اضافه / سراغ آن غلام: متمم / آن غلام: مضاف الیه برای سراغ
و خودش ترکیب وصفی / رفت: فعل

– و گفت: «از این همه گوسفندانت، یکی را به من بده». (دو جمله)

دانش زبانی

«و»: حرف ربط هم پایه / گفت: فعل / از این همه گوسفندانت، یکی را به من بده: مفعول (معمولا
بعد از فعل «گفت» بقیه اجزای جمله در نقش مفعول قرار می گیرند.) / از: حرف اضافه / این همه:
متمم / گوسفندانت: بدل (توضیح بیشتری برای «این همه» است.) / یکی: مفعول / را: نشانه مفعول

– چوپان گفت: «نه، نمی توانم این کار را بکنم؛ هرگز!». (پنج جمله)

دانش زبانی

چوپان: نهاد / گفت: فعل / نه نمی توانم این کار را بکنم؛ هرگز: مفعول / نه: یک جمله بی فعل یعنی
نمی دهم / نمی توانم: فعل / این کار: مفعول / را: نشانه مفعول / بکنم: فعل / هرگز: یک جمله بی
فعل یعنی هرگز همچنین کاری نمی کنم.

– مسافر گفت: «یکی را به من بفروش». (دو جمله)

دانش زبانی

مسافر: نهاد / گفت: فعل / یکی را به من بفروش: مفعول / یکی: مفعول / را: نشانه مفعول / به: حرف
اضافه / من: متمم / بفروش: فعل امر

– چوپان گفت: «گوسفندان از آن من نیست». (دو جمله)

دانش ادبی

چوپان، گوسفند: مراعات نظیر یا تناسب

دانش زبانی

چوپان: نهاد / گفت: فعل / گوسفندان از آن من نیست: مفعول / گوسفندان: نهاد / از آن من: مسند متممی (متمم در جایگاه مسند قرار گرفته است) / من: مضاف الیه برای آن / نیست: فعل اسنادی

– مرد گفت: «خداوندش را بگوی که گرگ ببرد». (سه جمله)

دانش ادبی

گفت، بگوی: اشتقاق (دو یا چند کلمه که نسبت به هم، هم‌ریشگی یا هم‌خانواده باشند؛ آرایه اشتقاق بوجود می آورند).

دانش زبانی

مرد: نهاد / گفت: فعل / خداوندش را بگوی که گرگ ببرد: مفعول / خداوندش: متمم (به خاطر «را» نشانه حرف اضافه «به» است؛ به خداوندش / بگوی: فعل / که: حرف ربط وابسته ساز / گرگ: نهاد / ببرد: فعل

– غلام گفت: «به خدای چه بگویم»؟! (دو جمله)

دانش ادبی

گفت، بگویم: اشتقاق (هم خانواده هستند)

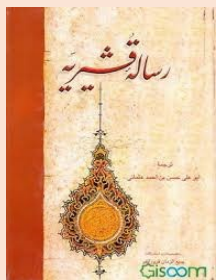
دانش زبانی

غلام: نهاد / گفت: فعل / به خدای چه بگویم: مفعول / به: حرف اضافه / خدای: متمم / بگویم: فعل

تاریخ ادبیات:

ابوالقاسم قشیری

ابوالقاسم قشیری



این کتاب پنجاه و پنج باب دارد که شامل اعتقادات صوفیه در اصول، ذکر مشایخ آنها و مراحل سیر و سلوک و احوال و مقامات و اوصاف و ویژگی‌های متصوفه است.

عبدالکریم بن هوازن قشیری، صوفی، فیلسوف و مفسر عربی ایرانی در سده پنجم هجری از فیلسوفان مسلمان در سده سوم و پنجم هجری قمری بود. وی همچنین در علم حدیث، کلام، فقه و تفسیر قرآن دانش‌های تخصصی آموزش دید. مهم‌ترین اثر وی **الرساله القشیریة** نام دارد. او در زمانی زندگی می‌کرد که خلافت عباسیان در جهان اسلام حکم می‌راند و غزنویان در ایران فرمان می‌دادند. وی معاصر با ابوسعید ابوالخیر بوده‌است. عبدالکریم بن هوازن قشیری ملقب به **زین‌الاسلام** در ماه ربیع‌الاول ۳۷۶ در استوا - ربع نیشابور - چشم به جهان گشود و در روز ۱۶ ربیع‌الثانی ۴۶۵ در نیشابور درگذشت.

آزمون فارسی هشتم درس اول پیش از اینها

۱- در بیت زیر چند صفت دیده می‌شود؟

رعد و برق شب طنین خنده‌اش سیل و طوفان ، نعره توفنده‌اش
(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲- مرجع ضمیر «ش» در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

(۱) هیچ کس را در حضورش راه نیست (۲) جهان، متّفق بر الهیتش
(۳) خداوندش را بگوی که گرگ ببرد (۴) بصر، منتهای جمالش نیافت

۳- در کدام گزینه معنی «پرستار» با سایر گزینه‌ها فرق دارد؟

(۱) تو پنداری که در کار خدایی تو پیوسته پرستار هوایی
(۲) سال‌ها شد که هوادار وی ام روی بر خاک پرستار تو ام
(۳) جان پرستاری تن کرد همی چو خود افتاد پرستار نداشت
(۴) پرستار امرش همه چیز و کس بنی آدم و مرغ و مور و مگس

۴- در دو بیت زیر چند تشبیه وجود دارد؟

ماه برق کوچکی از تاج او هرستاره، پولکی از تاج او
رعد و برق شب طنین خنده‌اش سیل و طوفان ، نعره ی توفنده‌اش
(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) تشبیه ندارد

۵- معنی واژه‌های مشخص شده به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

تأمل در آینه دل کنی صفایی به تدریج حاصل کنی
مُحال است سعدی که راه صفا توان رفت جز بر پی مصطفی
(۱) اندیشیدن - پاکی - غیر ممکن - به دنبال (۲) ایستادن - خلوص - غیر ممکن - بر اثر
(۳) درنگ کردن - پاک - جمع محله - بر اثر (۴) اندیشیدن - پاکیزه - غیر ممکن - به دنبال

۶- در کدام گزینه تلمیح وجود ندارد؟

(۱) دوستی از من به من نزدیک تر از رگ گردن به من نزدیک تر
(۲) گلستان کند آتشی بر خلیل گروهی بر آتش برد ز آب نیل
(۳) می توانم بعد از این با این خدا دوست باشم ، دوست پاک و بی ریا
(۴) عادت او نیست خشم و دشمنی نام او نور و نشانش روشنی

۷- در کدام گزینه ضمیر متصل وجود ندارد؟

- (۱) پایه های برجش از عاج و بلور
(۲) تازه فهمیدم خدایم این خداست
(۳) گفت: آری خانه او بی ریاست
(۴) زود پرسیدم: پدر اینجا کجاست؟
- برسر تختی نشسته با غرور
این خدای مهربان و آشناست
فرش هایش از گلیم و بوریاست
گفت: این جا خانه خوب خداست

۸- آرایه های موجود در بیت زیر کدامند؟

- مهربان و ساده و بی کینه است
(۱) مراعات نظیر - تشبیه - تلمیح
(۲) تضاد - تشبیه - تلمیح
(۳) تضاد - ترصیع - مراعات نظیر
(۴) مراعات نظیر - تشبیه - ضرب المثل
- مثل نوری در دل آینه است

۹- همه ی آثار زیر از قیصر امین پور است به جز:

- (۱) در کوچه ی آفتاب
(۲) از آسمان سبز
(۳) به قول پرستو
(۴) آینه های ناگهان

۱۰- در چهار بیت زیر، چند غلط املائی وجود دارد؟

- «مثل قصر پادشاه غصّه ها
«پایه های برجش از آج و بلور
«رعد و برق شب، تنین خنده اش
«باوضویی دست و رویی تازه کرد»
- خشتی از الماس و خشتی از طلا»
بر سر تختی نشسته با قرور»
سیل و طوفان، نعره توفنده اش»
با دل خودگفت و گویی تازه کرد»
- (۱) ۱
(۲) ۲
(۳) ۳
(۴) ۴

۱۱- در کدام بیت مفهوم آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» دیده می شود؟

- (۱) مهربان و ساده و بی کینه است
(۲) عادت او نیست خشم و دشمنی
(۳) رعد و برق شب طنین خنده اش
(۴) تأمل در آینه دل کنی
- مثل نوری در دل آینه است.
نام او نور و نشانش روشنی
سیل و طوفان نعره توفنده اش
صفایی به تدریج حاصل کنی

۱۲- در کدام گزینه آرایه تشخیص دیده می شود؟

- (۱) آن خدا بیرحم بود و خشمگین
(۲) پرستار امرش همه چیز و کس
(۳) با وضویی دست و رویی تازه کرد
(۴) به درگاه لطف و بزرگیش بر
- خانه اش در آسمان دور از زمین
بنی آدم و مرغ و مور و مگس
با دل خود گفت و گویی تازه کرد
بزرگان نهاده بزرگی ز سر

پاسخ آزمون فارسی هشتم درس اول پیش از اینها

سوال ۱: گزینه ۲

خنده: صفت طنین / توفنده: صفت نعره

سوال ۲: گزینه ۳

خداوندش را بگوی: به خداوند بگو: نقش «ش» متمم است و بقیل گزینه مضاف الیه است

سوال ۳: گزینه ۳

در این گزینه پرستار به معنی تیمار و مراقبت کردن است ولی در بقیه گزینه ها به معنی مطیع بودن است

سوال ۴: گزینه ۳

چهار تشبیه در این دو بیت دیده می شود.

بیت اول: ۱- ماه مانند برق کوچکی است ۲- ستاره مانند پولکی است

بیت دوم: ۳- طنین خنده اش به رعد و برق شب ۴- نعره توفنده اش به سیل و طوفان تشبیه شده است.

سوال ۵: گزینه ۱

(۱) اندیشیدن - پاکی - غیر ممکن - به دنبال

سوال ۶: گزینه ۳

گزینه ۱: نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ /

گزینه ۲: اشاره به داستان حضرت ابراهیم و حضرت موسی دارد

گزینه ۴: اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

سوال ۷: گزینه ۴

گزینه ۱: برجش: «ش» ضمیر متصل نقشش مضاف الیه برای برج، برج او

گزینه ۲: خدایم: «م» ضمیر متصل نقشش مضاف الیه برای خدا، خدای من

گزینه ۳: فرش هایش: «ش» ضمیر متصل نقشش مضاف الیه برای فرش ها، فرش های او

سوال ۸: گزینه ۱

مهربان و ساده و بی کینه است مثل نوری در دل آینه است

مهربان، ساده، بی کینه: مراعات نظیر / مثل نوری: تشبیه / تلمیح: اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (خداوند نور

آسمان ها و زمین است)

سوال ۹: گزینه ۲

از آسمان سبز: سلمان هراتی

سوال ۱۰: گزینه ۴

گزینه ۱: غصّه

گزینه ۲: بورجش، قرور

گزینه ۳: تنین

سوال ۱۱: گزینه ۲

عادت او نیست خشم و دشمنی

نام او نور و نشانش روشنی

سوال ۱۲: گزینه ۱

آن خدا بیرحم بود و خشمگین: خشمگین و بی رحم بودن از ویژگی های انسان است که به خدا نسبت داده شده است.